

توزیر

اداره جزیده علییه نوزوز (طهران)
 محله سنکلی کدو در خانقاه
 کلیه امور اداره باید کل اعظم الاسلام
 امین اداره و دبیرخانه آقا
 میرزا کاظم خان طبیب کرمانی
 محل رجوع و توزیع اداره است

قیمت سالیان در دوازده هزار دینار
 در خارج بانضمام و جریست
 بشا زنج بکشیه بنسب و هفتم
 جمادی الاخری شاهجهری
 کوشقان نبل ترکی مطابق بابینتم
 سپتامبر ماه فرانسسند استیجی

در این زمانه مطابرا جمع کبار و مشایخ علمیه در این شهر و قریبها مشایخ و بزرگان مطابراک غلام مصفید بحال
 ملک که مشایخ با درون ملک باشند نیز مشایخ طبع میباشند و اینها طبع و توزیع میباشند و مراعاتی که صلاح آن
 معلوم نباشد اداره در این شهر از این مشایخ است و مطابراک در این شهر و در این شهر و در این شهر

(فهرست مصنفندرجات)

- علم و ادب..... عمر طبعی..... اتحاد دولت و ملک.....
- لکرا و علماء اصفهان حضور مبارک اعظم شاهنشاهی.....
- لکرا و جناب اجل آقای مشیرالدوله بعلماء اصفهان.....
- لکرا و جناب اشراف ناما بل اعظم بعلماء اصفهان.....
- کیفیت گرفتن رعنران..... فخرنا..... جدول.....

(علم و ادب)

گویند در زمان خاقان مغفور و محمد شاه قاجار نورالله
 مضیعه مرحوم شیخ جعفر نجفی وارد طهران گردید چون
 بنام او خاقان مبرور گردید و در واقع شده بود سلطان

از شیخ دیدن نکرد و بامین الدوله حکم فرمود که شیخ وارد
 غارت شاهي زاه ندهند پس از مدتی شیخ بفرم دبد زشا
 وارد اول شد تجار و در بانان و حراس و ملازمین از ایشان
 و جلال علم نوانسند او را مانع شوند و دست مبارک را
 بوسیدند پادشاه را خبر دادند که شیخ وارد گردیده شاه
 تعبیه نمود که چگونه در بان مانع او نشد پس بامین الدوله
 فرمود چون مجلس آید برای او تواضع و تکریم نمینمایم در
 وقتیکه شیخ خواست از در داخل شود متمکم گردید بلفظ
 جلاله و یا الله را تمام نکرده که شاه از جای برخاسته
 باستقبال شیخ شام و دست شیخ را گرفت و از پله بالا آورد

و پهلوی خود شیخ زانسانید بعد از انفضاء مجلس امیرالدوله
 بشاه عرض کرد که شما فرمودید برای شیخ نواضع نکنیم چگونه
 قضیه بعکس نتیجه داد سلطان فرمود که چون صدای الله را
 بلند کردی هیت و جلال و چنان مرا گرفت که بی اختیار از
 جای خود مرا بلند کردند

و نیز گویند زمانی که جنت از امکاه فتح شد شاه بفرمودین نزد
 اجلال فرمود علماء عبد بن سلطان رفتند سلطان از
 شهیدان سؤالی در مسئله علیه نمود شهید جواب گفت
 ملا علی محمد جلدی بر ادی بر شهید نمود آنجناب سکونت
 اختیار نمود و بجهت آنکه مجادله را حرام میدانست حاج ملا
 محمد صالح دید که سکونت شهید وانگی در مجلس سلطان فاعلاً
 سرشکستگی شده در مقام جواب برآمد با جمله پس از
 گفتگوی زیاد حاج ملا صالح نهنساکت کردید حاج ملا
 غیرت و دزدید و با خصم در مجادله کوشید مجادلین در تنها
 شدند بجم رسپند ملا محمد علی در سن خود را بلند کرد که
 سینه زنده حاج ملا علی حاجی سبقت دزدید و سپلی زد
 بصورت ملا علی محمد سلطان حلیم با نهایت عیال میا خدماً
 متغیر کردند حکم فرمود آنها را از مجلس بیرون کردند و از

شهید معذرت خواست که این حرکات ناشایسته سزاوار
 مجلس ملوک و سلاطین نیست بحال صیاح و زوز بعد پادشاه
 اعیان دولت را خواستند آنها خطاب کردند که پیش حضرت
 قاطع سلام الله علیها از در خواب بدم بمن تغیر فرمود که
 چرا نسبت با و را در من خلافت احترام کردی البته رضای خاطر
 آنها را بعل آرو کمال احترام با ایشان نموده و اولاد و سلطنت
 تو را خللال ندادم پس شهیدناشد آنان را طلبیده و در
 احترام و تکریم آنان اهتمام و دزدیده و هر یک را بخلعت
 فاخر و شریف ملوکانه محلق و شرف دادند آنها را بانواع
 افواج حوائج منصرف داشت معلوم است که علم و ادب
 بعیند از قریب و بیگانگان را بمنزله اولاد قرار میدهند که
 صد بقیه کری در باره آنها میفرمایند اولاد منند هیت
 و مهابت علم اینگونه اثر دارد

و نیز گویند در زمان خاقان مغفور در شهر بزم مردم
 بلوا نمودند و بعضی حرکات خلاف میل دولت بزرگ کرد
 سلطان جنت مکان فتح شد شاه آخوند ملا حسن را به
 دار الخلافه خواست پس از ورود او را احضار بیدبار
 معذرت آثار نمود و عند الملائکات مضان خوشنایم بود

آمد سلاطین
 بود که آخر
 حاکم ظالم
 او را بپوش
 فلک آلود
 و سیاه
 بفلک
 آورد که
 این کار
 تلفیق
 چون
 و تصد
 یسیر
 حاکم در
 تفسیر
 توسط
 باز غم
 چون

آمد سلطان استفسار واقعاً از آخوند نمود و میسر این بود که آخوند این امر را از خود خلع نماید آخوند گفت که این حاکم ظالم است و فقراء از ظلم او بستوه آمدند لهذا من او را برودن کردم سلطان متغیر شد و حکم کرد که چوبی فلک آوردند که آخوند را العیاذ بالله چوبکاری و تلبیه و سیاست کرده باشند پس در مجلس سلطان پاهای آخوند بفلک بستند مجدداً سلطان با مین الدوله اصفهانی آمد که امین الدوله آخوند بقیبنا قهضری نگرده و این کار را رعایا نموده اند و مقصود شاه این بود که تلبیه آخوند نماید که او از این کار تبرأ نماید امین الدوله چون طبقه علمیه علماء اخلاص داشتند در مقام معتمد و تصدیق سلطان بر آمده بناگاه آخوند با آنکه پایش بسته بود تبخیر گفت که سلطان چرا با بدو روغ بگوید من حاکم را برودن کردم بسبب ظلم و تعدی او بفقراء و رعایا قهضری ندارد سلطان با مین الدوله اشاره کرد که توسط کند پس امین الدوله توسط نموده پای آخوند را باز نمودند و آخوند از مجلس برخاست و بمنزله خود رفت چون شب شد سلطان رسول خدا صلی الله و آله را در میان

در یاد میکرد و وانگشت پاهای مبارک کن را بسته اند و آنجناب سلطان نیز پیغمبر صلی الله علیه و آله شنافت و سلام کرد و عرض نمود پاهای مبارک شما را که بسته نامن و از انبیه و سیاست تمام پیغمبر فرمود که پای مرا تو بستی سلطان عرض کرد که من اینگونه بی ادبی نکردم آنحضرت فرمود تو در روز حکم نکردی پای آخوند ملا بکشد پس شاه بایم و هیبت و خوف از خواب بیدار شده فرستاد آخوند را آوردند نهایی با عذاب خواستند احترام از او نمود خلعت فاخر بدو داد و از نااضع نمود تا مورد بر جوع و وطن نمود آخوند از مراجعت بیزد امتناع نمود و در طهران مشغول با موارد شرعی گردید و در آخر عمر کربلا را مسکن خود قرار داد و در همان مکان شریف نجار گردیدنا از این ذرافه بعالیه باقی ارحال فرمود رحمه الله علیه (بقیة داستان)

(عمر طبعی)

در پیش گذشت سه نسیخه از نامه های جناب مستطاب اجل اکرم پرکش ارفع الدوله سریار و پیغمبر کبیر دولت علیه اینان مقیم اسلامبول ام اجلاله العالی که از بزرگان

و دانشمندان بر آن استناد آرد و سپیده و نغمه از آن که در
اصلاح الفضا و تکمیل خط فانی بود بیوسط جناب
معارف آداب حاج رضا قلی تاجر خراسانی و کمال جریده
نوروز که از تجار معتبر محترم استانی پیدا کردید اگر سایر
معارف بزرگان و هموطنان این گونه اقدام داشتند تا
کنون همه نواقص ما تکمیل شده بود بهایست شکر آرزوی
اجزاء اداره حاصل گردید در موقع خود شرح این دو
درج خواهیم نمود نسخه سیم مقاله این که از طرف شخص
مُعظم سفارت کبری با اشعار بیکه دو عمر طبعی برشته نظم
در آورده و عموماً نوع خود را آخسود ساخته صادر
گردیده اگر چه ما از درج شعر در این جریده علیه است
داریم لکن چون از طرف شخص ذانا و عالم و بزرگ خیرخوا
صادر گردیده بانها سفیل و رغبت از برای مشترکین
عظام و اشخاصیکه طالب از یاد عمر مینباشند درج میکنیم
و از تبریک و تمینت و اغانی که فرموده اند اداره علیه
مشکروانند یاد عمر و توفیق نشر علوم را از خدای عز و جل
خواهائیم امید داریم که سایر بزرگان و معارف پیروان
فی الجمله ناسی فرمائید باین شخص محترم که در معارف پیروان

و چند عصر و فریاد که است قدس خدمت جناب پرنس در
دولت و خدمت در مقام مرتبه ملک بر احدی پیوسته است
افراد ملک از معارف و خدمتش با اداره انسانیت شکرگزارند
اشخاصیکه در سن هفتاد یا هشتاد میرسنند و از زندگی
خودشان بجای ما بوس و مرگ اسعاینه می بینند و بقوه
و اهر خود را نماند مینمایند از خواندن این اشعار قوت
قلبی از ایشان حاصل میشود و بزرگان خود امیدوار
میشوند هم و تم آنها کسر خواهد شد اقدام آنها بجهت
علم و صنعت پیش از پیش بلکه امیدواری آنها بجا نماند
خداوند خویش زیاد تر میشود و بالیق فواید بگرم
از خواندن این اشعار برای انباء نوع انسان خواهد
بود در واقع و نفس الامر جناب پرنس حیای انسانان را
قوت تازه و زندگانی را با لفتش فرمود و بیک مرتبه بزرگان
مردم افزوده خواهد گردید (بقیه در آمد)

اینجا در ملک و ملک

بعضی از مفسدین و برخی از مغرضین این ایام انتشار داده
و در میان عوام انداخته اند که ما باین دولت و ملک
منهاترند و غایب اتفاق افتاده نه ملک را از دولت همراست

و نه در ولند از ملک امید واری اگر چه عقلا و اشخاص با ما
 میدانند که اینگونه انتشارات و مطالب بجهت تصحیح ^{است} اسلام
 یزید و آن طیفیوانورا لله یا فواهم ویل الله لا ان تم توره و
 الکافرو و آنچه که سعی نمایند در الفاء اتفاق بین دولت و ملت
 بمقصود خود نایل نخواهند شد و قضیه برخلاف آنچه
 میدهد و در روز اتفاقه اتحاد در نزد یاد است یزید
 الشیطان ان یوقع بینه العداوه والبغضاء
 خداوند حافظ دولت و ملک است و این منخرف ضایع
 و ابد او اقصیت ندارد و عجب است که با این انتشارات افوا
 کفنا نمیکند مقالات مضربه با داران جراید ارسال
 میدارند و غدا نه نویسنده هم لابد از درج است آنوقت
 باعث چه فتنها و شرها میشود و موجب خسارات و
 اضرار و بدنامی جمعی خواهد گردید و واقع نه خالوی
 خوش آید و نه خلوقه پایستد کرد
 بجهت کاهی عموم عرض میکنیم امروز دولت ایران نسبت
 بموم و غایا بخصوص علماء اعلام نهایت شفقت و تقصد
 اظهار مینماید و نیز ملت هم خصوص علماء و رؤساء
 دین متین در غایا اتحاد و اتفاق است با دولت و ترویج

دین بیضاه و قوه شریعت غراء زایشه با اتحاد باد و لانداند
 پیوسته از طرفی علم حضرت شاهنشاه اسلام میان پناه نسبت
 بعلماء اعلام هرگونه توجهات و تفقدان میدول است
 و فردا فردا مورد مزاحم و الطاف مملو کانه مشمول و
 مخصوص مینماید و همچنین علماء اعلام بترا و بخارا ابدع
 ذات ملکوتی معات مشغول و نهایت شکر از مزاحم و
 عنایات خسرانی دارند امری برخلاف میل دولت بطهور
 ز سبیده است چنانکه دست آورده مفسدین گردیده است
 این است که رؤساء اصفهان بر حسب میل و خواهش
 خودشان استدعا میحضار بدارا بخلافه و تشریح حضور
 تلکراف نموده اند استعدایشان با جابیت مقرون گردید
 ماصورت تلکراف و جواب آنرا درج مینمایم تا حسن سلو
 اولیاء دولت نسبت بعلماء اعلام معلوم گردد و همچنین
 میل علماء اعلام و خلوص آنها نسبت با علم حضرت شاهنشاه
 و حاضر بود نید را طاعت پادشاه خویش تا بچه اندازه
 و حد است بگردشمان دین و اعداء شریعت مینماید
 انتشار اینگونه اخبار منصرفه از خیالات باطله خود
 مایوس نباشند که داران جراید مزاحم شوند و نه برین

بزرگان و رؤساء دولت و ملت نفاق و فتنه انگریز
 صورت دیگر **اعلیٰ و اعظم** در میان
اعلیٰ شایسته **استطاب** **بجای** **مشیر** **الدوله**
 بیست و هفتین جلای قای مشیر الدوله دامت شوکت
 حضور مبارک حضرت مستطاب شرفا تا بلای اعظم دامت
 اقباله العالی تکلیف علماء اعلام خیرخواهی دولت و ملت
 و خلوص دعا گوئی است که همواره در صدد استکبر و
 بچسبیدن و ردع عوام الناس از مداخله امور دولتی و
 ایستادگی دولت و ازار نمودن عموم باطاعت
 پادشاه اسلام پناه خدا الله ملکه و بدلجان و مال د
 تشبیه دولت قوی شوکت بوده باشند بدین معنی
 شد بد دولت است بقوام ملت و قوام ملت منوط بافتاد
 دولت است علماء اعلام که عقلاء هستند این نکته را خوب
 متذکر و از خداوند دوام و قوام دولت قاهره را
 پیوسته مسئلت نمایند و همگی تشکر داریم از اینکه فضل
 و حصانت امور دولت و رضامت مهمام کارها بکف کفایت
 مثل حضرت مستطاب شرف العالی است همواره علماء اعلام
 که لسان نعمت اند باظهار انصاف و اطاعت و افسوس مطاع

و امثال تکالیف دولتی و لوازم دعا گوئی رطب اللسان
 میباشد نه این محسن تذکر خاطر اولیاء دولت و خیرخوا
 جنارت مینماید در خصوص اغتشاش چون مینشاء است
 باسم اسلام بوده است و خدای بخوانند مبادا اسباب
 هيجان عاقبه و سرایت فتنه بسایر بلدان بشود چنانچه از
 مبارک بر رفع اغتشاش باد تمام دیگر سوا فرستادن قوت
 در صدد تسکین فتنه بر آید اولی مینماید عموم علماء اعلام
 در این مطلب حاضر بیل متعهدند که هر قسم ذای مبارک
 امضاء دولت تعلق کبر و تکبر فتنه را بوجه اتم اکل از
 و سایر بلدان بنمایند و مترصد ستور العمل مینباشند
 و چنانچه ذای مبارک تعلق کبر و چند نفر از علماء اصفا
 در طهران شرفیایه حاصل نموده شرح مطالب باجمت
 کسب تکلیف حضور عرض دارند و همان خاطر مبارک
 حضرت باجل عالی را در حقیقت نعمت عظمی مینمایند که اسباب
 قوام دولت و ملت هستند همواره شاگرد دعا گو هستیم
 دعا گو امام جمعی (داعی شیخ محمد تقی نجفی) (داعی حاجی
 شیخ جمال الدین) (داعی حاجی شیخ نور الله)

جواب تلکرا حضرت جلال قاسمی
 مشیر الدولہ بجلالہ اصغریہما
 خدمت میں رفعت جنابان مستطابان مقصدی الانامنا
 حج اسلام سرکار آقا می امام جمعہ و آقا می حاجی شیخ محمد
 تقوی آقا می حاجی شیخ نور اللہ و آقا می حاجی شیخ جمال اللہ
 دامت کلالہم تلکرا فخرم آقا یان عظام ادام اللہ فضائل
 شرف و مصلو دادہ و تبلیغ نمودہ و اینک جوانبذاکر صادر
 شدہ است با کمال مسرت و سال داشتہ امیدوارم انشاء
 تعالی برودی و خوشی سعادت زیارت بابرکات آقا یان
 عظام مع اللہ المسلمین بطول بقائهم حاصل شدہ و این
 سفر خیرتیا اثر طہران بر حسب تبت مقدس ذات ہما یون
 ملوکاتہ و اولیای دولت علیہم موجب فواید عموم زیارت
 اعلیٰ کلمی شرع متہن بودہ ہم آقا یان عظام مقصود المرام
 معاونت بقدر خود فرمودہ و ہم ماہا فیض باب و
 سعادت مند شوم (مشیر الدولہ)
 فلک کراف جناب اشرف اکرم
 اناباک اعظم بجلالہ اصغریہما
 خدمت میں سعادت جنابان مستطابان مقصدی الانامنا

ملاذ الاسلامان آقا می امام جمعہ و آقا می حاجی شیخ
 محمد تقی و آقا می حاجی شیخ نور اللہ و آقا می حاجی شیخ جمال
 دام افضلہم العالیہ تلکرا فرمودت انما فی عالمی و بند
 و از ملاحظہ آن کہ سزا پنا حکمت و معنی بود بسبب انوشو
 شدم و مر اسباب از عرض خاکپای مہر علائی قدس
 ہما یون شاہد شاہی خلد اللہ ملکہ و سلطانہ کد فاسد
 و آنچه لازم بود و وظیفہ خیر خواہی بود بجای آوردہم
 خاطر ہما یون قرین رضا و مسرت کردید و فرمودند ہما یون
 کہ فرمودہ اند بسیار خوب است چون ماہم از اول جلوس
 خود مان تا بحال آقا یان اصغریہما از اکہ عمدہ ارکان دین
 مستند ملاقات نمودہ ایم بسیار خوب است کہ برودی
 بطہران آمدہ ما را ملاقات نمودہ و مذاکراتی کہ لازم است
 خواہد شد رو میرا جعت نمودہ مشغول دعا گوئی دولت
 ترویج شریفی باشد خود را در دستند نیز این خیال عالیہ
 آقا یان عظام و احازہ ہما یون کمال مسرت و اذام کہ
 انشاء اللہ تعالی عنہم بسیار فہم زیارت آقا یان عظام
 سعادت مند کردید و انشاء اللہ تعالی نفع این کار بطہر کن
 خواہد شد و ماہم علو شہرت غراء نیز خواہد شد و بند

که مقصود تمام ماها بخت نیت قلدن شاهنشاه
اسلام پناه همیشه همین بوده و هشتکه اغلای کلمه
اسلام در این عصر فرخنده بیشتر از هر وقت بود و با
چنانچه هستند و انشاء الله بیشتر نیز خواهند شد ایام

افاضت مندام (انا بک اعظم)
کیفیت گرفتن عفران

کل عفران شبیه بکل لاله عباسی و زعفران همان نارنگ
وسط گل است باید در وقت چیدن ظرف بدست بگیرند
و باد شده بگروانکششان کلها را کشیده در ظرف
گذارند بعد آن نارنگها را از میان گل بیرون بیاورند
وقت رشوه دادن در فصل زمستان رشوه و گود
باید داد و هر چه رشوه بیشتر بدهند بهتر است و ضرر ندارد
سبزه و بولک و ساق زعفران را در وی بخش نکند
حصاد نکند که اگر بیشتر درو کنند ضرر به پادشاه
رسید

فخرنا از نه (۲۵)

پس من خود را بقدههای کیش مند و ساند اخبر گفتم
ای پدر و خوان تو از هر کسی بهتر میدانی که من از بدایت

عمر تا کون در تحصیل علم کمال انقطاع و سعی دارم
و کمال تعصب دارم در نظر اینست دارم بخیر در اوقات صلوة
و وعظ تعظیم از تحصیل و مطالعه و مباحثه ندارم پس
چهره مینورداگر شما احسانه نمائید و معنی فاد و جلیطارا
برای مزینان فرمائید اسناد در کیشنگر بستن شدیدی
بعد کفشی فرزند و اعز نامی در نزد من و هیچ چیز از
تو مضایقه ندارم اگر چه در دانشت این اسم شریف پیدا
بزرگبست این بجز دانشت از معنی آن متابعان مسیح
مرا و تو را خواهند گشت (بقیت دارم)

امروز	تاریخ	روز	تاریخ
یکشنبه	۲۲	۲۰	۱۹
دوشنبه	۲۳	۲۱	۲۰
سه شنبه	۲۴	۲۲	۲۱
چهارشنبه	۲۵	۲۳	۲۲
پنجشنبه	۲۶	۲۴	۲۳
جمعه	۲۷	۲۵	۲۴
شنبه	۲۸	۲۶	۲۵

آذانه
محله
کلیه امور
امین
میزنایا
محل رجوع
در آن
ملک
آرم
علم و ادب
بشارت
ارفع
طایفه
چهارم
اسلام
واقع
در ظاهر